



عهد و گفتگو

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

مطالعات SPIRITUALITY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخهء تفسیر توره ربای خیم شیمل رویرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت زهرری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنرا در قسمت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بهمانندی که با نمونهء زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند." - ربای ساکس

تفسیر هفتگی تورات

Tzav: Understanding Sacrifice

تزاو: فهمیدن مفهوم قربانی

بی دلیل نیست که یکی از دشوارترین عناصر تورات و روش زندگی توصیف شده در آن، پدیدهٔ قربانی کردن حیوانات است. نخست آنکه از دو هزار سال پیش، یهودیان و یهودیت بدون آن به بقای خود ادامه داده اند.

دوم، تقریباً همهٔ انبیاء یهود نسبت به قربانی کردن انتقاد داشتند، از جمله یرمیا در هفطارای پاراشای تزاو.¹ هیچ یک از انبیاء خواهان الغای قربانی نبود، بلکه انتقاد آنها به کسانی بود که همزمان با قربانی دادن، مشغول ستمکاری یا استثمار هموعان خود بودند. آنچه آنها را ناخشنود می کرد - آنچه خدا را که انبیاء به نام او سخن می گفتند، ناخشنود می ساخت - این بود که آشکارا برخی افراد قربانی را گونه ای رشوه دادن می دانستند: اگر یک فدیة

¹ Jeremiah 7:22: "When I freed your fathers from the land of Egypt, I did not speak with them or command them concerning burnt offerings or sacrifice" - a remarkable statement. See Rashi and Radak ad loc., and especially Maimonides, *Guide for the Perplexed*, III:32.

حسابی برای خدا بدهیم، آنگاه او شاید جرم‌ها و بدکاری‌های ما را نادیده بگیرد. این ایده ای است که با یهودیت از ریشه در تضاد است. همچنین، در کنار حکومت مطلقه فردی، قربانی‌ها کم‌اهمیت‌ترین عنصر یهودیت در دنیای باستان بودند. در آن روزگار، هر دین باستانی و هر فرقه‌ای قربانگاه‌ها و قربانی‌های خود را داشتند.

سرانجام، بسیار شگفت‌انگیز است که چگونه حکیمان تلمودی به سادگی و نرمی، توانستند برای قربانی جایگزین‌هایی تعیین کنند، از جمله این سه جایگزین اصلی: دعا، مطالعه و صداقا. نیایش، به ویژه شخریت، مینحا و موصاف جای قربانی‌های معمول را گرفتند. کسی که قوانین قربانی‌ها را مطالعه کند، مانند کسی است که قربانی می‌دهد. و کسی که کمک خیریه می‌دهد، یعنی قربانی مالی، می‌پذیرد که هر چه داریم از خدا داریم.

پس هرچند ما روزانه برای بازسازی معبد و برقراری دوباره قربانی‌ها دعا می‌خوانیم، فهم خود اصل قربانی دادن همچنان دشوار باقی می‌ماند. در این زمینه، نظریه‌های بسیاری توسط انسان‌شناسان، روانشناسان و پژوهشگران تورات در مورد این که قربانی‌ها چه چیز را نمایندگی می‌کردند، بیان شده است. اما بیشتر آنها بر اساس این برداشت چالش‌پذیر است که قربانی در همه فرهنگ‌های دنیا یکسان است. این تحقیق‌ها ضعیف هستند. همواره باید کوشید یک رسم را از دریچه باورهای متمایز یک فرهنگ که در آن اجرا می‌شود، فهمید. در دینی که خدا آفریننده و صاحب همه چیز است، قربانی چه معنایی می‌توانست بدهد؟

پس چرا قربانی در یهودیت اجرا می‌شد و چرا حتی تا امروز به صورت یک ایده باقی مانده است؟ ساده‌ترین پاسخ، - هرچند همه جزئیات انواع فدیة‌ها را بیان نمی‌کند - چنین است: ما آنچه برایش مایل به فداکاری هستیم را دوست داریم. از این رو وقتی بنی اسرائیل یک ملت کشاورز و گله‌دار بودند، عشق خود به خدا را با آوردن هدیه‌ای نمادین از میان

گله های خود، غلات و میوه ها که راه امرار معاش آنها بود، بیان می کردند. دوست داشتن یعنی سپاسگزاری. دوست داشتن یعنی خواست آوردن هدیه برای معشوق. دوست داشتن یعنی بخشندگی.² قربانی دادن مانند رقص عشق است.

این در جنبه های گوناگون زندگی صدق می کند. یک زوج موفق در ازدواج همواره برای یکدیگر فداکاری می کنند. والدین فداکاری های بزرگ برای فرزندان خود می کنند. افرادی که به یک دستور دینی عمل می کنند، مانند درمان یک بیمار، رسیدگی به تهیدست، یا مبارزه برای برقراری عدالت به نفع ضعیفان در برابر قوی ها، اغلب شغل های پرسودی را فدای ایده آل های خود می کنند. مردم در دوران های وطن پرستی، برای کشور خود فداکاری های بزرگ می کنند. در جوامع قدرتمند، مردم برای کسانی که در تنگنا و ناراحتی هستند و به کمک نیاز دارند، فداکاری می کنند.

از این رو در دوران توراتی، قربانی این قدر مهم بوده است - نه این که در همه ادیان چنین بوده، بلکه دقیقاً چون قلب تپنده یهودیت، عشق است: "خداوند خدای خود را با تمام قلبت، تمام روحت و تمام توانایی ات" دوست بدار. در ادیان دیگر، انگیزه پشت قربانی دادن، ترس بود: ترس از خشم و قدرت خدایان. در یهودیت، انگیزه عشق بود.

ما این نکته را در واژه عبری برای قربانی می بینیم: قربان یک اسم است و فعل لهقربو یعنی "نزدیک شدن". نامی برای خدا که همیشه در ارتباط با قربانی به کار می رود، هشم [نام او] است که برای خدا از جنبه عشق و دلسوزی به کار می رود. هرگز برای قربانی، نامی از خدا که جنبه حکم و دوری دارد، به کار نمی رود. واژه الوکیم تنها پنج بار در کل سفر لایوان

² The verb "to love," a-h-v, is related to the verbs h-v-h, h-v-v, and y-h-v, all of which have the sense of giving, bringing, or offering.

و آن هم در پیش زمینه صحبت از ملت های دیگر به کار می رود. واژه هشتم ۲۰۹ بار به کار می رود. و چنان که در پاراشای پیشین دیدیم، خود نام ویقرا [توضیح مترجم فارسی: همان سفر لایوان] به معنای فرخوان به عشق است. جایی که عشق باشد، فداکاری هست.

ما به محض فهمیدن این نکته درمی یابیم که قربانی در مفهوم فداکاری تا حد برای قرن بیست و یکم کاربرد دارد. نهادهای بزرگ دنیای مدرن - دولت لیبرال دمکراتیک و اقتصاد بازار آزاد، در مدل بازیگر عقلانی - یعنی فردی که برای افزایش منافع خود کار می کند - پیش بینی شده بود. رویکرد هابس به قرارداد اجتماعی، این بود که به نفع تک تک ماست که برخی از حقوق خود را به قدرت مرکزی تسلیم کنیم و آنرا موظف به حفظ حاکمیت قانون و مراقبت از این قلمرو بسازیم. دیدگاه آدام اسمیت در مورد اقتصاد بازار- بنیاد این بود که اگر ما هر یک برای افزایش امتیازهای خود کوشش کنیم، نتیجه، رشد جامعه مشترک المنافع می شود. سیاست و اقتصاد مدرن بر پایه دنبال کردن عقلانی منافع خود استوار شده است.

این هیچ اشکالی نداشت و با بهترین انگیزه ها انجام شده بود. تلاشی بود برای برقراری صلح در اروپا که قرن ها در اثر جنگ از هم گسیخته بود. دولت دمکراتیک و اقتصاد بازار- بنیاد تلاش هایی جدی بودند برای مهار منافع فردی و مبارزه با سودهای ویرانگری که به خشونت می انجامیدند.³ این که سیاست و اقتصاد بر اساس منافع فردی بودند، نفی این امکان نبود که نمی بایست با انگیزه های انسان دوستانه از خانواده هایی در اجتماع حمایت کرد. این یک سامان خوب بود و بد نبود.

³ The classic text is A. O. Hirschman, *The Passions and the Interests* (Princeton University Press, 1977).

اما اکنون، پس از چندین قرن، ایده عشق همچون فداکاری در بسیاری از قلمروهای زندگی لاغر شده است. این امر را به گونه ای مشخص در روابط می بینیم. در سراسر غرب، افراد کمتری ازدواج می کنند و آنهایی که ازدواج می کنند، دیر شده و تقریباً نیمی از ازدواج ها به طلاق ختم می شوند. در سراسر اروپا جمعیت های بومی در حال افول هستند. یک کشور برای داشتن جمعیت متوسط باید متوسط نرخ تولد ۲.۱ به ازای هر زن را داشته باشد. در سال ۲۰۱۵ متوسط نرخ تولد در اتحادیه اروپا ۱.۵۵ بود. در اسپانیا ۱.۲۷ بود. آلمان پایین ترین نرخ تولد در دنیا را دارد.⁴ از این رو جمعیت اروپا امروز تنها بر پایه نرخ های بیسابقه مهاجرت به تعادل رسیده است. اگر مفهوم فداکاری در یک جامعه از دست برود، آن گاه دیر یا زود، ازدواج افول می کند، والدین شدن از میان می رود و جامعه به آرامی پیر می شود و می میرد.

ربای اعظم بریتانیا پیش از من، لرد جاکوبوویتز، به گونه ای جالب این نکته را بیان کرد. تلمود می گوید که وقتی یک مرد از همسر اول خود طلاق می گیرد، "محراب گریه می کند" (گیتین ۹۰ الف). ارتباط میان محراب و ازدواج چیست؟ او می گوید که هر دو به فداکاری مربوطند. ازدواج ها ناکام می شوند وقتی همسران نمی خواهند برای یکدیگر فداکاری کنند.

یهودیان و یهودیت با وجود بسیاری از فداکاری های مردم در راه آن به حیات خود ادامه دادند. در قرن یازدهم میلادی، یهودا هلوی با بیانی هیبت آمیز از این یاد کرد که یهودیان هر چند با بیان چند کلمه ساده می توانستند به دین اکثریت دربیانند و زندگی نسبتاً راحتی بکنند، یهودی ماندند.⁵ همین قدر هم می توان گفت که بقای آنها به خاطر این فداکاری

⁴ *The Observer*, August 23, 2015.

⁵ Judah Halevi, *The Kuzari*, 4:23.

ها بود. جایی که مردم برای ایده آل های خود فداکاری می کنند، آن ایده آل ها نیرومند باقی می مانند. قربانی [فداکاری] بیانی از عشق است.

هر گونه قربانی، مقدس نیست. بمبگذاران انتحاری، زندگی خود و قربانیان خود را چنان که پیشتر گفته ام، به صورت حرام و توهین به خدا قربانی می کنند.⁶ در اصل، وجود قربانی جانوران در تورات راهی بوده برای جلوگیری از مردم در دادن قربانی های انسانی به شکل های خشونت و جنگ. اما اصل فداکاری باقی مانده و همان هدیه ای است که برای کسی که دوست داریم، می دهیم.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت
دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org f t @ @ @ @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved

⁶ See Jonathan Sacks, *Not in God's Name: Confronting Religious Violence* (New York: Schocken Books, 2017).